

چندی پیش بعد از سالیان درازی سفری به ایران داشتم. چون یک ایرانی میهن پرست هستم همیشه کنجکاو اندیشه مردم درباره اسلام میباشم. در این سفر یک حالتی از آرامش درونی در خود میدیدم. با اینکه دولت مردم را سرکوب میکردند، ولی شادی زیادی در خود احساس میکردم. شاید بگویند مگر دیدن کشتار مردم هم شادی داره؟ بزارید برگردیم به 30 سال پیش. جوانی بودم 15-16 ساله که تحت تاثیر سخنرانیهای اسلامیون فکر میکردم که خمینی همان حسین هست و شاه هم نقش یزید رو بازی میکنه. اگر به تاریخ نگه کنیم می بینیم که چطور آخوندها در افکار مردم ریشه انداختند و در رژیم قبلی به نهایت قدرت خود رسیدند. بگذریم، چونکه این بحثی جداست.

2 سالی که در جنگ ایران و عراق بودم جرقه ای بود که مسیر زندگی منو تغییر داد. سوال من این بود که اگر عراقیون دشمنان حسین کربلا هستند پس چرا در 1300 سال گذشته کسی علیه اینها اقدامی نکرده و ضمناً کی اصلاً مقبره های حسین و بقیه امامها را ساخته؟ یا امام زمانی که اینها صحبتشو میکنن، وقتی میاد گردن چه کسانی رو میزنه، مارو یا عراقیهارو؟ راستی چرا این امام زمان جلوی عراقیهارو وقتی که به دختر بچه های سوسنگرد تجاوز میکردند نگرفت؟ آگه این امام زمان فقط یه گردن میزد اینهمه دختران بی دفاع زیر تجاوز عراقیها جان نمی سپردند. بالاخره سال 1984 ایرانو به مقصد اروپا ترک کردم. دیگه نمی خواستم از ایران چیزی بشنوم. از ایرانی بودن بریده بودم. بعدها که کامپیوتری تهیه کرده بودم مرا با حماسه بابک خرمدین آشنا کرد. با درفش کاویانی بیشتر و بیشتر به واقعتهای تاریخ پی بردم. آخوندها، یا بهتر بگم زباله کشتهای عباسیان، حسین تازی رو یا محمد بچه بازو، و علی آدمکش و نامردو (جنگ خندق دلیل بارز آن هستش) به شکل دیگه ای به ما تحویل دادند. اینها خصلتهای بابک و یعقوب لیث و مازیار و همانند اینهارو در کالبد حسن، حسین و ... بما تحویل داده اند. بهرحال حاشیه روی نکنیم و برگردیم سر شادی من.

در سفرم دیدم که مردم چطور از اسلام زده شدند و گرایش به اشو زرتشت پیدا کرده اند. مادرم که غیر از نماز چیزی دیگر نمیشناسه، با دقت به حرفهای من گوش میکرد و وقتی قرآنو برایش میخواندم، سوال میکرد اینهارو تو قرآن نوشته؟ و ادامه میداد و میگفت لعنت به این آخوندها که مارو در خواب نگه داشتند و وقتی گفتم که مادر من دیگه مسلمان نیستم و دوست دارم به آیین زرتشت درآیم، گفت، هر آنکه درسته همونو انجام بده. دینی که تا قبل از انقلاب اسلامی کفر شناخته میشد امروز بعنوان دین راستین در دل مردم جا باز کرده. البته باید از احمقیت آخوندها هم تشکر کرد، چرا که بدون وجود اینها ایرانیان بایستی جنگ علیه اعراب رو باخته حساب میکردند، ولی پیروزی نزدیکه. هرروزی که اینها حکومت میکنند از تعداد مسلمین کاسته میشه. حال که دلیل شادی منو میدونید اجازه میخوامم از تمام زرتشتیان که هیچوقت سنگر مبارزه رو خالی نکردند قدردانی کنم و امیدوارم که روزی کشورمان بعنوان یک کشور زرتشتی در دنیا شناخته بشه. آروز، روز انهدام اسلام خواهد بود.

آریو از آذربایجان، سرزمین اشو زرتشت، زادگاه آریو برزن، حماسه گاه بابک، سرزمین مادر کورش، اولین شکستگاه اسکندر در مقابل اتوریات دلاور ایرانی.

باشد که دوباره آتشکده زرتشت روشنی گیرد

آریو

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi/>